تاریخ نوشت

عصر صفوی

توسعه مشهد پس از رسمی شدن مذهب شیعه

حرم مطهر رضوی نقش مهمی در رشد و توسعه مشهد، به ویژه در دوره صفوی داشته است، آن چنان که با رسمی شدن مذهب شیعه در این دوره، شهر مشهد از اعتلا و رشد خاصی برخوردار و به یکی از شهرهای بزرگ و تأثیرگذار ایران تبدیل شد.
در واقع این شهر با وجود اینکه در ادوار مختلف اقوام گوناگونی (ازجمله غوری‌ها، غزها و ازبک‌ها) آن را ویران کردند، به دلیل موقعیت خاص مذهبی زود آباد شد و این مسئله با ظهور حکومت‌های شیعه مذهب -ازجمله صفویان- سرعت بیشتری به خود گرفت. در این دوره، با حمایت شاهان صفوی، هنرهای پارچه‌بافی، نقاشی، فلزکاری، سفالگری و معماری، پیشرفت و توسعه فراوانی یافت. به موازات این هنرها، شهرنشینی و شهرسازی نیز متحول شد؛ به ویژه که در دوره شاه عباس اول رونق تجارت سبب رونق شهرنشینی نیز شد و در شهرهای بزرگ میدان‌ها، عمارت‌ها، خیابان‌ها، بازارها و کاروان‌سراهای بسیاری بنا شد. توصیف‌های زیبای توأم با اظهار شگفتی جهان‌گردان اروپایی از شهرهای مختلف ایران، نشان‌دهنده میزان پیشرفت هنر شهرسازی در این دوره است. جدا از شهر اصفهان که اوج هنر شهرسازی و معماری صفویان را به نمایش می‌گذارد، شهرهای دیگر، به ویژه شهرهای مذهبی و تجاری، نیز طی این دوره بیشتر از ادوار گذشته توسعه یافتند. شهر مشهد را می‌توان یکی از این شهرها و شاید مهم‌ترین آن‌ها دانست. یکی دیگر از دلایل توسعه شهر مشهد در دوره صفوی را باید در سیاست‌های خاص شاه عباس اول جست‌وجو کرد؛ ازجمله این سیاست‌ها ایجاد کاروان‌سراهای متعدد در سرتاسر کشور و گسترش هرچه بیشتر راه‌های ارتباطی میان شهرهای پرجمعیت بود که این خود باعث توسعه بازرگانی شد؛ دیگر آنکه شاه عباس شاه‌راهی میان شهرهای اصفهان، مشهد و هرات ایجاد کرد که نقش مهمی در توسعه تجارت و به تبع آن توسعه شهرهای مزبور داشت؛ همچنین شاه عباس با ایجاد حمام‌ها و آب‌انبارها و دیگر نیازمندی‌ها در بهتر کردن اوضاع زندگی مردم شهرنشین کوشید. علاوه بر این شاه عباس از درآمدهای سرشار موقوفات و نذورات امامزاده‌ها و مکان‌های مذهبی در راه آبادانی کشور استفاده کرد، صنعت قالی‌بافی را از یک صنعت محدود روستایی به یک صنعت ملی تبدیل و از راه صدور ابریشم به اروپا، ثروت عظیمی نصیب ایران کرد. مجموع اقدامات مزبور به توسعه صنعت و تجارت و درنتیجه آن گسترش شهرها و شهرنشینی در سرتاسر ایران منجر شد. همچنین از اواسط دوره صفوی، امنیت شهر مشهد بیش از ادوار گذشته شد. این امنیت به خصوص در دوران عظمت صفویان در زمان شاه عباس اول بسیار محسوس بود. درپی همین امنیت بود که شهر مشهد علاوه بر مرکزیت مذهبی، به مرکزیت تجاری، صنعتی و اقتصادی نیز دست یافت. این شهر به واسطه آنکه پذیرای تعداد زیادی از زائران رضوی بود، یکی از مراکز مهم صنعتی و کشاورزی عهد صفویه به شمار می‌آمد و کارگاه‌های مختلف صنعتی -ازجمله نساجی، فلزکاری، اسلحه‌سازی و لوازم جنگی صفویان- نیز در این شهر وجود داشت. به علاوه، شهر مشهد طی این دوره از مراکز عمده سفالگری، به ویژه تولید سفال چینی به سبک ایرانی بود.

بخشی از مقاله «بررسی عوامل اعتلا و توسعه شهر مقدس مشهد طی دوره صفوی»، نوشته سیدهاشم حسینی، استادیار باستان‌شناسی و هنر دوران اسلامی، دانشگاه محقق اردبیلی

تاریخ نگار

۴ گسست بزرگ در تاریخ «بازار مشهد»


نمایی از بازار بزرگ مشهد که دارای سرا و تیمچه‌های مختلفی بوده است

ترابی| قدمت بازار قدیمی شهر مشهد که از میانه محله سرشور تا میانه محل نوغان امتداد داشت و از ضلع غربی حرم مطهر عبور می‌کرد، بیش از سابقه تاریخی مشهد است. مسیر بازار حدوداً بر جاده‌ای قدیمی قرار دارد که روستای باستانی سناباد را به شهر بزرگ نوغان متصل می‌کرد. این بازار در دوران فعالیت‌های خود، شاهد حوادث پرشماری بود؛ با این حال اگر قرار باشد گسست‌های اساسی در ساختار شکلی آن را فهرست‌وار مرور کنیم، باید از چهار گسست مهم نام ببریم.
گسست نخست در بازار مشهد، با احداث صحن عتیق (انقلاب امروزی) در دوره شاه عباس یکم صفوی اتفاق افتاد؛ در این گسست، بخشی از حدفاصل میان بازار زنجیر تا بازار سنگ‌تراشان از بین رفت و به فضای داخل صحن ملحق شد؛ با این حال گسست مذکور در روند فعالیت بازار خللی ایجاد نکرد، زیرا معابر فرعی بازار به سرعت ساخته شد و طی قرن‌های بعدی جایگاه خود را در فعالیت‌های اقتصادی شهر به دست آورد.
گسست دوم در سال ۱۳۱۰ خورشیدی و با احداث فلکه حضرت رخ داد. محمدولی اسدی برای ایجاد فضای مناسب عبور و مرور وسایل نقلیه نوین، ابتدا فلکه جنوبی و سپس فلکه شمالی را ساخت که بالاخیابان را به پایین خیابان متصل می‌کرد. با این اقدام، بخشی از بازار زنجیر از بین رفت و میان دو بازار سرشور و زنجیر جدایی افتاد. بخشی از بازار مشهد که به صحن عتیق متصل می‌شد، عملاً داخل فضای فلکه حضرتی قرار گرفت. از آن سو با احداث فلکه شمالی، بخش عمده‌ای از بازار سنگ‌تراشان دچار آسیب شد و به تدریج جایگاه پیشین خود را از دست داد.
گسست سوم در سال ۱۳۱۳ خورشیدی و با احداث خیابان خسروی نو (اندرزگوی فعلی) ایجاد شد. این خیابان شکافی میان بازار سرشور و بازار فرش به وجود آورد.
گسست چهارم هم که سنگین‌ترین ضربه به ماهیت و جایگاه بازار قدیم مشهد بود، در سال ۱۳۵۴ خورشیدی با تخریب بزرگ آن رقم خورد. در این تخریب همه بخش‌های باقی‌مانده بازار در فضای داخل فلکه حضرت از بین رفت و به تاریخ پیوست و بیش از ۵ هزار مرکز کسب‌وکار نابود شد. گسست چهارم عملاً به عمر بازار مشهد خاتمه داد و به تدریج با توسعه مراکز تجاری در دیگر نقاط شهر، بازار قدیم رونق گذشته را به دست نیاورد.

مروری بر ایجاد و گسترش ارض اقدس در ادوار مختلف تاریخی که تحت تأثیر حضور و شهادت امام رضا(ع) شکل گرفته است

آغاز مشهدالرضا علیه السلام

مشهد بین قرن سوم تا هفتم


عکسی کمتر دیده شده از مشهد با دورنمای حرم مطهر و مسجد گوهرشاد (عکس از سمت محله سرشور گرفته شده است)/ عکاس: آنتونیو جیانوزی/ تاریخ: میانه سال‌های ۱۸۵۸ تا ۱۸۵۹ میلادی (۱۲۳۶ تا ۱۲۳۷ خورشیدی)

مرضیه ترابی| پیش از آنکه در آخرین روز ماه صفر سال ۲۰۳ قمری (شهریورماه سال ۱۹۷ خورشیدی) واقعه جان‌گداز شهادت امام رضا(ع) در اراضی سنابادِ نوغان و دارِ حُمَید بن قَحطبه اتفاق بیفتد، فضایی که بعدها در تاریخ و جغرافیا به نام «مشهد» شناخته شد، مکانی بود در حاشیه جاده‌ای قدیمی که روستای باستانی سناباد را به شهر بزرگ نوغان متصل می‌کرد. در آن روزگار، نوغان یکی از دو شهر بزرگ بلوک توس بود که در کنار تابران، از نقاط اصلی تمرکز جمعیت در این ناحیه به حساب می‌آمد و افزون بر اهالی اصیل و بومی آن که ابن حوقل از ایشان با نام «عجم ها» یاد می‌کند، گروهی از اعراب قبیله «طی» نیز ساکن این منطقه بودند؛ سکونتی که بعد از سقوط ساسانیان و حاکمیت اعراب مسلمان بر ایران، به تدریج و برای تأمین امنیت مناطق مختلف سرزمین‌های اسلامی آغاز شد. قبیله «طی» به واسطه شخصیتی مانند «حاتم طایی» در تاریخ شناخته شده است و افزون بر این «حُمید بن قَحطبه» خود وابسته به این قبیله بود و «قَحطبه طایی» خوانده می‌شد. در نزدیکی مدفن امام علی بن موسی الرضا(ع) که مدتی بعد از شهادت ایشان با نام «مشهدالرضا(ع)» و بعدتر با عنوان «مشهد» شناخته شد، روستای سناباد قرار داشت و چنین شهرت دارد که اصلاً محل خاک‌سپاری پیکر مطهر آن حضرت، در اراضی روستای سناباد قرار داشته است. در آن ایام مکان فعلی حرم رضوی حاکم‌نشین بلوک توس و بلکه بخشی از خراسان بود و در آن بنایی احداث کرده بودند که برخی پژوهشگران به دلیل الگوی چهارطاقی ساختمان، آن را میراث عهد ساسانی و محل استقرار «کنارنگ توس» دانسته‌اند؛ با این حال شاید به دلیل وجود نوغان بزرگ و البته فقدان زیرساخت‌های لازم برای شکل گرفتن مجموعه‌های سکونتی، در ابتدای کار، سناباد نه ظرفیت پذیرش مجاوران را داشت و نه مجالی برای استقرار آن‌ها پیش می‌آمد (با توجه به سیاست‌های مذهبی عباسیان). این دو مسئله، دست‌کم در سال‌های نخست پس از شهادت امام رضا(ع) از موانع توسعه مشهد بودند. اما شورش‌های گسترده‌ای همچون «قیام بابک» و خیزش «علویان طبرستان»، عملاً شرق اسلامی را از دسترس خلفای بغداد خارج کرد و آن را در حیطه قدرت اُمرایی قرار داد که خلیفه باید خواسته یا ناخواسته، منشور حکومت را به نام آن‌ها مُهر می‌زد. به این ترتیب به فاصله اندکی بعد از شهادت امام رضا(ع)، توس از زیر بار حاکمیت بغداد شانه خالی کرد و از آن پس به ترتیب در محدوده حاکمیت فرمانروایان طاهری، صفاری، سامانی، غزنوی، سلجوقی، غوری و خوارزمشاهی قرار گرفت و بی‌تردید وجود پیکر مطهر امام در این دیار سبب توجه امرا و دیگر مردمان در طول تاریخ به آن و زمینه‌ساز شکل‌گیری مشهد امروز شد. سطرهای بعدی روایت همین تغییر و تحول است که در ادامه می‌خوانید.

● نخستین ساکنان و تولد اولین زیرساخت‌های تجاری و مسکونی در مشهد

نخستین ساکنان مشهد، زائرانی بودند که به شوق زیارت از مناطق مختلف خود را به مشهد می‌رساندند. به این افراد باید تعدادی از اهالی نوغان، تابران، سناباد، «تروغبذ» (طرقبه امروزی) و شاید «تروغ» (طرق امروزی) را هم افزود که از باب ارادت ترجیح می‌دادند مجاور حرم مطهر رضوی باشند. تجمع آن‌ها در این منطقه، طبعاً تولد زیرساخت‌های تجاری و مسکونی را در پی داشت. در واقع پس از این استقرار است که نخستین بازار بر مسیر قدیمی جاده سناباد به نوغان شکل گرفت؛ مسیری که حدود آن، در قرون بعد، همان حدود بازار بزرگ مشهد بود که از سرشور تا حرم رضوی و از آنجا تا بخشی از محله قدیمی نوغان امتداد پیدا می‌کرد اما ساخت‌وسازها در مشهد تقریباً از اوایل قرن چهارم بود که افزایش یافت؛ در واقع برخی از امرای محلی مانند ابومنصور محمد بن عبدالرزاق طوسی که به جایگاه معنوی امام رضا(ع) پی برده بودند، در این توسعه نقش جدی ایفا کردند.

● ایجاد نخستین فضاهای اقامتی برای زائران و تلاش برای گسترش شعائر مذهبی در مشهد

طبق گزارش شیخ صدوق در «عیون اخبارالرضا(ع)» در آن زمان اماکن متبرکه یا حدود مشهد قدیم، با دیوار یا علائمی مشخص می‌شد که آن را «حدّ حرم» می‌نامیدند. با همت افرادی مانند «ابومنصور» نخستین فضاهای اقامتی برای زائران در شهر شکل گرفت و هم‌زمان، برنامه‌های مذهبی نیز در مشهد صورتی منظم یافت. نخستین مؤذن و قاری مشهد نیز «ابونصر نیشابوری» بود که به گفته شیخ صدوق، در پی شفای بیماری‌اش توسط امام رضا(ع) در مشهد ساکن و مجاور شد و اسباب انتظام بیشتر برای برپایی شعائر دینی را در این دیار فراهم کرد.

● احیای قنات‌ها و ایجاد «شهرچه» مشهد

البته طی همین دهه‌ها، گاه برخوردهایی خشونت‌بار نیز با مشهد و ساکنان و میهمانانش شکل می‌گرفت اما این خشونت‌ها چندان گسترده نبود. ابن اثیر در کتاب «الکامل فی التاریخ» گزارشی از تخریب حرم مطهر رضوی و اطراف آن به دست «سبکتگین» نقل می‌کند که اعتبار آن جدی نیست. کمی پیش از این حمله، به فرمان «عبدا... بن فائق خاصه» (سپهسالار سامانیان در خراسان) و با اهتمام «بوبکر شهمرد» (کدخدای وی در منطقه نوغان) کار احداث برخی زیرساخت‌ها و اماکن اقامتی و نیز ترمیم و احیای قنات‌ها برای تأمین آب مورد نیاز مشهد، آغاز شده و تحدودی نیز به انجام رسیده بود.
با استیلای محمود غزنوی بر خراسان، او نیز به ایفای نقش در ترمیم و گسترش اماکن متبرکه و تقویت زیرساخت‌های مشهد و اطراف آن پرداخت و سبب شد پس از آن، جغرافی‌دانانی مانند «مقدسی»، صاحب کتاب «احسن التقاسیم»، از مشهد با نام «شهرچه» یاد کنند. مجموعه این تکاپوها در دوره محمود غزنوی نیز تداوم پیدا کرد و بزرگان دولت او و بعدها پسرش (مسعود) در تکمیل پروژه‌های زیرساختی و عمرانی مشهد تلاش‌ها کردند. «سوری بن معتز» در کنار چهارطاقی روضه منوّره، مناره‌ای بنا کرد و در مجاور این مکان مقدس، کاروان‌سرایی ساخت که احتمالاً نخستین مرکز اقامتی در تاریخ شهر مشهد بوده است. تقریباً هم‌زمان با وی، «ابوالحسن عراقی دبیر» (دیوان سالار و وزیر دربار غزنوی در عهد محمود و مسعود) نیز دست به کار شد و طبق گزارش ابوالفضل بیهقی، در کنار روضه منوره رضوی، مسجدی ساخت که در ادوار بعد به مسجد بالاسر شهرت یافت. عراقی قنات سناباد را که تقریباً خشک شده بود، مجدداً احیا کرد و هنگامی که درگذشت، طبق وصیتش او را در گوشه مسجد بالاسر به خاک سپردند.

● رونق پیشه سنگ‌تراشی در مشهد

اوضاع اقتصادی و اجتماعی مشهد در قرن پنجم، با چنین توجهاتی رو به بهبود گذاشت. طبق گزارش «ابن حوقل» مشهد در این دوره مورد توجه بسیار بود. برگرد حرم مطهر، دیواری بلند بنا کرده بودند که اهل عبادت برای اعتکاف وارد آن می‌شدند. بدیهی است که در چنین شرایطی، اوضاع اقتصادی هم رونق خوبی را تجربه می‌کرد و کاروان‌های متعددی که حامل مسافر و کالا بودند، حوالی مشهد را به عنوان بارانداز و استراحتگاه برمی‌گزیدند که این مسئله در ادامه و به مرور بر جمعیت مجاوران مشهد افزود. بر این مسئله باید رونق فعالیت‌های تولیدی را هم اضافه کرد. نوغان و سناباد از دیرباز به خاطر تولید دیگ‌های سنگی (هرکاره) شهرت داشت و حالا در مشهد، علاوه بر سنگ‌تراشان، فیروزه‌تراشان نیز از رونق اقتصادی به وجود آمده، بهره می‌بردند و دست‌سازهای خود را که ماده اولیه‌اش از کان‌سارهای نزدیک نیشابور به دست می‌آمد، به مشتریان علاقه‌مند عرضه می‌کردند.

● مشهد و تبدیل‌شدن به مرکزی علمی با رویکرد تعلیم و تعلم آموزه‌های دینی

افزون بر این‌ها در این دوران، مدارس علمیه متعددی در اطراف بارگاه منور رضوی شکل گرفت؛ مدارسی که بیشتر به جلسات آزاد بحث دینی شباهت داشت و در آن‌ها، اطلاعات مذهبی رد و بدل می‌شد. در واقع مشهد پیش از تبدیل شدن به یک شهر با شاخص‌های شهری شناخته شده است؛ نخست اینکه یک زیارتگاه و محل عبادت و همچنین مرکزی علمی با رویکرد تعلیم و تعلم آموزه‌های دینی، به ویژه علم حدیث بود. نکته جالب توجه اینجاست که محافل درسی شکل گرفته در مشهد، فقط متعلق به مذهب شیعه نبود و پیروان دیگر مذاهب اسلامی نیز از این فضای علمی و معنوی برای فعالیت‌های آموزشی خود بهره می‌بردند. نگاهی به کتاب «اُمالی» شیخ صدوق نشان می‌دهد که این محدث بزرگ جهان تشیع در سفر به خراسان، مدتی در مشهد رحل اقامت افکند و محافل درسی خود را در روضه منوره رضوی برگزار کرد.

● کشیده شدن بارو بر گرد مشهد و تغییر آن از «شهرچه» به «شهر»

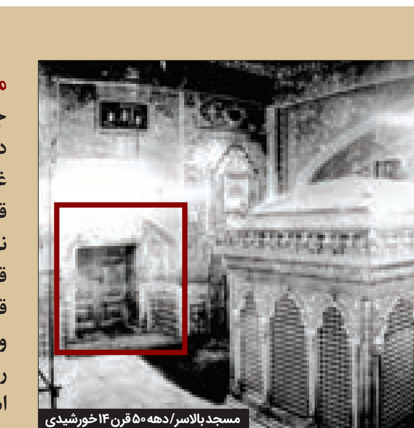
پیش از آنکه قرن ششم فرا برسد، مشهد تحت سیطره حکومت سلجوقیان قرار گرفت. در میانه عهد سلجوقی، ملکشاه، مقتدرترین فرمانروای این دودمان، قدرت را تصاحب کرد و در این مسیر، از هوش سیاسی خواجه نظام‌الملک طوسی بهره برد. خواجه با وجود اینکه شیعه نبود، همچون دیگر اهالی بلوک توس به مشهد رضوی دلبستگی فراوان داشت. نقل است که کاروان‌سرایی در کنار حرم مطهر بنا کرد و نیز برای تقویت روحیه ملکشاه در مسیر کسب قدرت، او را به مشهد آورد و گفت که شبی را در روضه منوره رضوی به صبح برساند و در کار خود تأمل کند؛ با این حال مشهد پس از مرگ خواجه و در پی او ملکشاه، روزگار باثبات و آرامی را از سر نگذراند. اوایل قرن ششم و در سال ۵۱۰ قمری، به دنبال نزاعی مذهبی میان اهالی تابران و مشهد، جمع زیادی از مردم این شهر کشته شدند و ناامنی بر منطقه حاکم شد. این وضعیت، «ابوطاهر قمی» (وزیر شیعی مذهب سلطان سنجر سلجوقی) را واداشت برای مشهدی که هر روز بیش از پیش توسعه می‌یافت و ظاهراً این توسعه حالتی ناهمگون به خود گرفته بود، تمهیدی امنیتی بیندیشد. این‌گونه بود که با تدبیر ابوطاهر که به امام رضا(ع) سخت ارادت داشت، نخستین دیوار به دور مشهد کشیده و این شهر صاحب بارویی درخور اتکا شد که آن را از امواج حملات حفظ می‌کرد. تا این زمان، به جز دیوار دور حرم رضوی، مانعی بر سر راه هجوم‌ها قرار نداشت و اهالی شهر، عملاً بدون دفاع در پهنه دشت میان نوغان و سناباد زندگی می‌کردند. ابوطاهر قمی در سال ۵۱۶ قمری، اندکی پس از اتمام نخستین باروی شهر مشهد درگذشت و در نزدیکی حرم رضوی دفن شد.

● نخستین کاشی‌کاری حرم‌مطهر پیش از روزگار پرحادثه حمله مغول

آنچه در اواخر دوره سلجوقی رخ داد، آسیب‌های گسترده‌ای به مشهد و امنیت آن وارد کرد. هجوم «غُزها» به خراسان و غارت‌های مکرر آن‌ها، عملاً شرایط سکونت را در این شهر دشوار کرد. تنها پس از استیلای خوارزمشاهیان بر خراسان و عقب راندن غزها و البته امرای «غوری» توسط آن‌ها بود که مشهد دوباره روی آرامش را دید. در این ایام تنش میان سلطان محمد خوارزمشاه و «الناصرلدین‌ا...» (خلیفه عباسی) و تلاش خوارزمشاه برای انتقال خلافت از دودمان عباسی به علوی از طریق به خلافت نشاندن «علاءالملک ترمذی»، فرصتی استثنایی را برای علاقه‌مندان به امام رضا(ع) فراهم آورد تا بر شکوه روضه منوره و شهر مشهد بیفزایند. «عبدالعزیز بن آدم»، ملقب به «حسام الدوله» و «ولی آل محمد»، احتمالاً برای نخستین بار دور مرقد مطهر رضوی را با زیباترین کاشی‌های آن عصر که ساخته هنرمندان کاشانی بود، آراست؛ کاشی‌هایی که در ادوار بعد به اشتباه کاشی‌های «سنجری» نامیده شدند و هنوز هم زینت‌بخش اطراف ضریح مطهر هستند. در ساخت این کاشی‌ها، یکی از سادات نیشابور به نام «ابوزید» نقش داشت. به این ترتیب تحولی در صنایع عمرانی مشهد پدید آمد. دور از ذهن نیست اگر بناها و ساختمان‌های دیگر مشهد را هم تحت تأثیر کاشی‌های سنجری، مزیّن به این آرایه‌های ذی‌قیمت و نوین بدانیم. بین سال‌های ۶۰۵ تا ۶۱۲ قمری، بخش مهمی از این تزیینات فضای حرم رضوی و محیط شهری مشهد را آراست؛ اما هجوم مغولان ناگهان پایانی تلخ را برای این روند رو به رشد رقم زد.

مسجد بالاسر

جایی میان روضه منوره و رواق دارالسیاده قرار دارد و یادگار دوره غزنویان است. تاریخ نگاران قدمتش را ۴۲۵ هجری قمری نوشته‌اند و به اعتبار همین قدمت معتقدند این مسجد، قدیمی‌ترین مسجد ارض اقدس و نخستین بنایی است که پس از روضه منوره سقف و ستون خورده است.


مسجد بالاسر/ دهه ۵۰ قرن ۱۴ خورشیدی

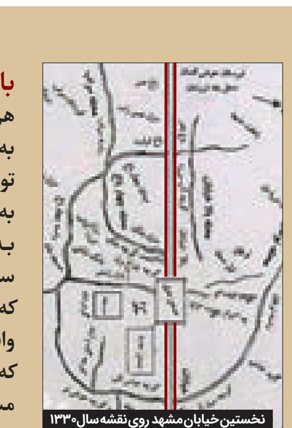
بازار سنگ تراشان

می‌گویند که اهالی توس در ظروفی سنگی غذا می‌پخته‌اند اما برکت و رونق کار تراشیدن آن در مشهد با حضور حضرت خورشید، معاصر است. روایت است که امام رضا(ع) در مسیر حرکت خود از مدینه به خراسان، به نوغان و کوهسنگی می‌رسند. چند سنگ‌تراش را می‌بینند که مشغول کندن سنگ هرکاره هستند. همان جا به کوه تکیه می‌دهند و برای رونق و برکت آن دعا می‌کنند. شیخ صدوق در کتاب «عیون الاخبار الرضا(ع)» از قول اباصلت هروی نقل می‌کند: «هنگامی که حضرت امام رضا(ع) به سناباد وارد شدند، به کناره کوهی نزدیک سناباد که از سنگش دیگ‌های سنگی درست می‌کنند، رسیدیم. امام(ع) به تخته سنگی از کوه تکیه زدند و رو به آسمان فرمودند: خداوندا! مردم را از این کوه سود برسان و غذاهایی را که مردم در دیگ‌ها و ظرف‌های سنگی این کوه می‌پزند، برکت عطا فرما. سپس دستور دادند دیگ‌هایی از همان سنگ برایشان بیاورند و فرمودند: غذای مرا در هیچ ظرفی نپزید، مگر در همین ظرف‌های سنگی.» پس از شهادت حضرت(ع) زائرانی که به شوق آستان بوسی سلطان خراسان به این دیار می‌آمدند، چون این روایت را شنیده یا خوانده بودند، ظروف ساخته شده با سنگ هرکاره را برای مصرف یا به قصد سوغات می‌خریدند. اشتیاق برای این ظروف که از قضا، طبخ غذا به دلیل مقاومت این سنگ در برابر آتش، در آن بسیار مطبوع‌تر از دیگر ظروف بوده است، آن چنان رونق می‌گیرد که به قطب اقتصادی و صنعت تراز اول مشهد بدل می‌شود.


بازار سنگ تراشان/ دهه ۶۰ قرن ۱۴ خورشیدی

بالاخیابان و پایین خیابان

هم‌زمان با انتقال مرکز حکومت صفویه از قزوین به اصفهان و احداث میدان چهارباغ در آن شهر توسط شاه عباس، وی سومین خیابان ایران را هم به طول تقریبی سه کیلومتر از شمال غرب مشهد به جنوب شرق آن احداث می‌کند. بعدها و در سده یازدهم هجری قسمت علیای این خیابان که حدود دو کیلومتر طول دارد و در شمال غرب واقع است، به «بالاخیابان» و قسمت سفلای آن که در جنوب شرق قرار دارد، به «پایین خیابان» مشهور می‌شود.


نخستین خیابان مشهد روی نقشه سال ۱۳۳۰

عصر گوهرشاد

دوره تیموری و توسعه ارض اقدس

نخستین جهش بزرگ اقتصادی، اجتماعی و عمرانی مشهد

تردیدی نباید داشت که دوره تیموری، آغاز یک عصر متفاوت در تاریخ شهر مشهد بوده است؛ عصری که نقش یک بانوی خیراندیش در ایجاد و شکل‌گیری آن بیش از دیگران به چشم می‌آید: گوهرشادبیگم، همسر شاهرخ تیموری کسی است که خدماتش به مشهد باعث رویدادهای بزرگ اقتصادی، اجتماعی و عمرانی در این دیار شد.
در واقع با ویرانی کامل تابرانِ توس در حمله جهان‌سوز تیمور لنگ و هجمه چنگیز، بخش مهمی از جمعیت بازمانده آن شهر تاریخی و باستانی به ارض اقدس مهاجرت کردند که این مسئله، باعث گسترش عجیب و غریب شهر در بُعد جمعیتی شد و عوارض ناشی از این گسترش ناگهانی، دامن هم زائر و هم مجاور را گرفت.
در چنین شرایطی، گوهرشادبیگم که ارادت فراوانی به ثامن الحجج(ع) داشت، عزم خود را برای تغییر اوضاع شهر جزم کرد.
او به دنبال آغاز حکومت فرزندش، «بایسنقرمیرزا»، بر مشهد، طرح ساخت نخستین ابرپروژه عمرانی شهر را از معمار خود، «قوام الدین بن زین الدین»، مطالبه کرد؛ به این ترتیب، بنایی معظم در مشهد ساخته شد که باید آن را نماد عصری جدید در تاریخ توسعه این شهر بدانیم؛ عصری که بی‌گمان با نام گوهرشادبیگم پیوندی استوار دارد و شایسته است که «عصر گوهرشاد» نامیده شود.
البته باید توجه داشت که این عصر پربار در تاریخ شهر مشهد، فراتر از عُمر ملکه دربار شاهرخ تیموری بود. رد و نشان این توسعه پایدار، در دوره‌های بعد، به ویژه در دوره فرمانروایی سلطان حسین بایقرا و صدراعظم دین‌دار و خردمند وی، امیرعلیشیر نوایی، تداوم یافت و بر مرده‌ریگ همین عصر طلایی، فرمانروایان صفویه عصر زرین دیگری را رقم زدند که مشهد را به اوج اعتلای جمعیتی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی رساند و بارگاه منور رضوی را برای میزبانی از خیل روزافزون زائرانی که از شرق و غرب به آن مکان مقدس می‌شتافتند، توانمند کرد.
آنچه در ادامه می‌بینید، مروری فهرست‌وار بر وقایع عصر گوهرشاد در مشهد است که عملاً از سال ۸۱۷ قمری آغاز شد و تا شروع حکومت صفویان در سال ۹۱۶ قمری، نزدیک به یک قرن تداوم پیدا کرد.

۸۱۷ قمری
شاهرخ تیموری فرزندش (اُلغ بیگ) را از حکومت توس و مشهد برداشت و بایسنقرمیرزا را به جای وی گماشت. بایسنقرمیرزا فرزند شاهرخ و گوهرشادبیگم و ملک‌زاده‌ای هنرمند و هنردوست بود.

۸۱۸ قمری
به اهتمام گوهرشادبیگم و مهندسی قوام‌الدین بن زین‌الدین، ساخت بنای مسجد گوهرشاد در زمینی به مساحت ۹ هزار و ۳۰۹ مترمربع در جنوب حرم مطهر رضوی آغاز و اراضی مورد نیاز آن خریداری شد.

۸۲۱ قمری
بنای مسجد گوهرشاد به پایان رسید و در ابتدای پاییز با حضور شاهرخ تیموری افتتاح شد. فرزند تیمور قندیلی طلا به وزن ۳ هزار مثقال به حرم رضوی تقدیم کرد.

۸۲۱ قمری
بنای رواق دارالسیاده حرم رضوی که ساختن آن به دستور گوهرشادبیگم آغاز شده بود، به پایان رسید. این رواق در جانب غربی روضه منوره ساخته شد و تا مدت‌ها مسیر ورود به مسجد گوهرشاد بود.

۸۲۱ قمری
در پی افتتاح مسجد گوهرشاد با ظرفیت ۱۵ هزار نفر، به دستور شاهرخ طرح باغی در جبهه غربی حرم رضوی ریخته شد که به سبک باغ‌های ایرانی و قالب چهارباغ بود.

۸۲۳ قمری
پایان ساخت مدرسه علمیه پریزاد در غرب دارالسیاده، به اهتمام «پریزاد» (ندیم گوهرشاد و نواده ربیع بن خثیم مشهور به «خواجه ربیع») و تلاش شوهروی (میرزامیرک حسینی)، متولی مزار خواجه ربیع.

۸۴۳ قمری
پایان ساخت مدرسه «دودر» در حاشیه بازار قدیمی مشهد و در نزدیکی مسجد گوهرشاد. بانی این مدرسه غیاث‌الدین یوسف خواجه بهادر از امرای مشهور دوره تیموری بود که به تیمورلنگ نیز خدمت کرد.

۸۵۵ قمری
پایان ساخت مقبره امیرغیاث‌الدین ملکشاه، از سرداران اِلغ بیگ تیموری، در حاشیه بازار قدیم مشهد. این مقبره بعدها کاربری مسجد پیدا کرد و به «مسجد شاه» مشهور شد. امروزه آن را «مسجد ۷۲ تن» می‌خوانند.

۸۶۱ قمری
پایان کار گوهرشادبیگم در هرات و قتل وی به دست «ابوسعید»، یکی از نوادگان شاهرخ تیموری. گوهرشادبیگم در زمان مرگ حدود ۸۱ سال داشت و پیکر وی در مقبره خانوادگی هرات به خاک سپرده شد.

۸۶۱ قمری
آغاز حکومت حسین بایقرا. سلطان حسین نوه «بایقرا» بود و نسبش با سه واسطه به تیمور می‌رسید. او در سال ۸۷۵ قمری حکومت خود را به اوج اعتلا رساند و امیرعلیشیر نوایی را به صدارت برگزید.

۸۷۵ قمری
آغاز ساخت ایوانی که امروزه با نام ایوان طلا در جنوب صحن عتیق قرار دارد. این ایوان به خرج امیرعلیشیر نوایی ساخته و بعدها بارها مرمت و بازسازی شد. ساخت آن تا ۸۸۵ قمری طول کشید.

۸۸۰ قمری
پایه‌گذاری «غلورخانه» در مجاورت حرم رضوی. غلورخانه محل عرضه آش غلور (نیای شله مشهدی امروزی) به زائران و مجاوران به صورت نذری بود. امیرعلیشیر نوایی را بانی غلورخانه می‌دانند.

۸۸۰ قمری
توسعه مدارس علمیه در فضای شمال صحن عتیق فعلی. این مدارس بعدها در توسعه دوران صفویه به طور کامل تخریب شد و تنها مدرسه «ملاتاج» یا «مستشاری» باقی ماند.

۸۸۲ قمری
امیرعلیشیر نوایی با رساندن آب چشمه گلسب (چشمه‌گیلاس فعلی) سنگ بنای نهری را گذاشت که بعدها به نهر خیابان، نهر نادری و نهر شاهی مشهور شد و سهم مهمی در تأمین آب مشهد داشت.

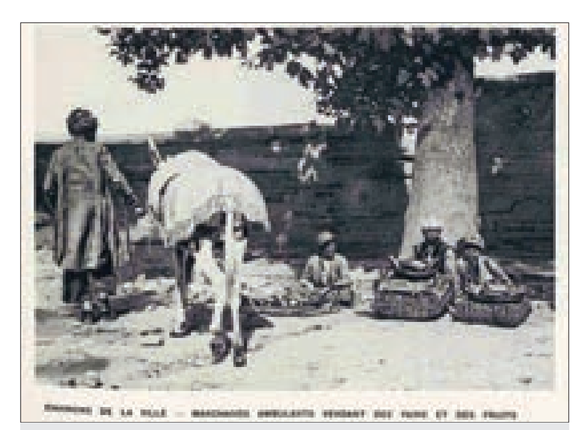
۹۰۰ قمری
امیرعلیشیر نوایی با احداث گنبدی در مجاورت ایوان تازه‌ساز صحن عتیق، موسوم به گنبد امیرعلیشیر نوایی بر وسعت رواق‌های حرم مطهر افزود. او در این سال پنجره‌ای فولادی در صحن عتیق نصب کرد.

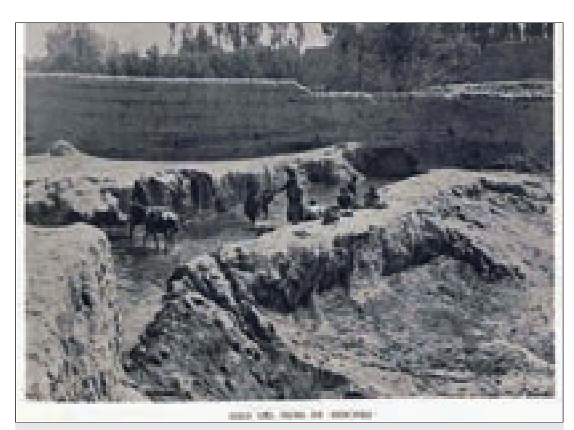
۹۱۶ قمری
سلطان حسین بایقرا آخرین امیر مقتدر تیموری درگذشت. وزیر وی، امیرعلیشیر، در سال ۹۰۶ قمری درگذشته بود. بعد از او خراسان و مشهد مدتی به عرصه هجوم ازبکان تبدیل گشت تا آنکه صفویه بر این منطقه مسلط شد.

چند قاب قدیمی


عکس منحصر به فرد یکی از دروازه‌های شهر مشهد که در سال ۱۲۷۷ خورشیدی گرفته شده است. در این عکس قدیمی می‌توان چند نکته جذاب تاریخی یافت؛ اولاً تأسیسات بیرون از دروازه برای اقامت شبانه مسافران که معمولاً بعد از غروب آفتاب و به دلیل بسته شدن دروازه‌های شهر مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ ثانیاً استفاده از الگوی تزیینی دو برج باریک و کاشی‌کاری شده که در این دوره تاریخی کاملاً متداول بود. این دروازه با توجه به درختان پشت دیوارهای آن و فقدان نهر خیابان، احتمالاً دروازه سراب بوده که در سمت غربی شهر مشهد قرار داشته است.


پست خانه مشهد در میدان ارگ یکی از مراکز مهم ارسال بسته‌های پستی و همین طور جابه‌جایی مسافر بود. کالسکه‌های پستی که نمونه‌ای از آن‌ها را در تصویر می‌بینید، حکم وسایل نقلیه بین شهری را هم داشتند و مسافر جابه‌جا می‌کردند. این مسئله دو دلیل داشت؛ نخست آنکه کالسکه‌های اداره پست معمولاً نو بودند و به همین دلیل کمتر در مسیر به مشکل برمی‌خوردند و دوم اینکه به دلیل داشتن نشان دولتی و حمایت حکومت، کمتر از دیگر کالسکه‌ها دچار سرقت و دستبرد می‌شدند. عکس مربوط به سال ۱۲۷۷ خورشیدی است.


عکسی از دست‌فروشان مشهدی که در سال ۱۲۷۷ خورشیدی و احتمالاً در محدوده میدان ارگ برداشته شده است. دست‌فروشی عمده‌ترین شیوه عرضه کالا در مشهد قدیم بود و مردم نیز با توجه به قیمت مناسب کالاهای دست‌فروشان، به خرید از آن‌ها رغبت نشان می‌دادند. در این تصویر، علاوه بر کودکی که در سمت چپ عکس مشغول فروش میوه است، دو نان‌فروش دوره‌گرد را می‌بینید که چیزی شبیه نان بربری را به مشتریان خود عرضه می‌کنند. طبق «گزارش مکتب شاپور» در سال ۱۳۱۳ خورشیدی، حدود دوازده نوع نان در مشهد پخته می‌شد.


ورودی یک قنات از وسط باروی شهر مشهد. عکس در سال ۱۲۷۷ خورشیدی و توسط دالمانی برداشته شده است. قنات‌ها سهم مهمی در تأمین آب مورد نیاز شهر مشهد داشتند، به ویژه آب شرب که معمولاً نوعِ سالم و گوارای آن زیاد در دسترس عامه مردم نبود. این قنات‌ها بخشی از باغات مشهد در محلات بالاخیابان و سراب را سیراب می‌کردند و سپس به نهر نادری می‌پیوستند. البته در برخی مواقع، قنات‌ها مسیر مستقلی را می‌پیمودند؛ مانند قنات مهدیقلی بیگ که وقف مسجد گوهرشاد بود. این قنات پس از مسجد گوهرشاد، وارد اراضی زراعی پایین دست می‌شد.


این تصویر مربوط به سال ۱۲۷۷ خورشیدی است و تصویر بیرون از باروی شهر مشهد و کارگاه سفالگری فعال در آنجا را نشان می‌دهد. عکس توسط هانری رنه دالمانی، جهانگرد فرانسوی، برداشته شده است. در تصویر، افزون بر الگوی فعالیت تولید محصولات سفالی، می‌توان دیوارها و نیز برج‌های باروی شهر مشهد را دید که طبق برخی گزارش‌ها، بیش از پنجاه عدد بودند. در این عکس با کیفیت می‌توان شکل و شمایل لباس‌های آن دوره و حتی الگوی اصلاح ریش مردان را نیز مشاهده کرد. این عکس احتمالاً نمایی بیرون از دروازه پایین خیابان است.

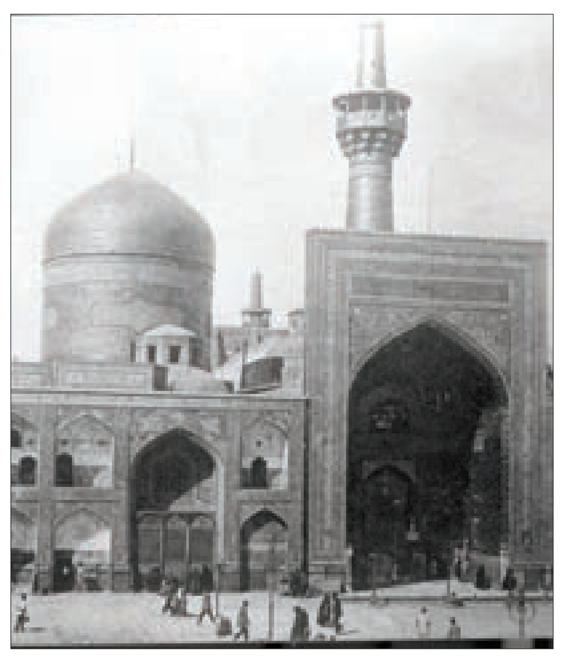

قدیمی‌ترین عکس مربوط به حرم رضوی که در سال ۱۲۳۹ خورشیدی توسط آنتونیو جیانوزی، افسری ایتالیایی که در خدمت مدرسه دارالفنون بود، برداشته شد. در این عکس، نمایی از ایوان موسوم به «ساعت» پیداست، زمانی که هنوز روی آن ساعتی نصب نشده بود. نهر نادری از میان دروازه این ایوان به داخل صحن جریان دارد و زائران در اطراف حوض‌های دور سقاخانه و سکوهای کنار نهر نشسته‌اند. این سکوها حدود پنجاه سانتی‌متر ارتفاع داشت. کف صحن عموماً شامل سنگ مزارهای افراد مدفون در این مکان است و نمای پشت بام‌ها با گیاهان روییده بر آن‌ها، در نوع خود جالب است.

نکته: برخی از مطالب این گزارش برای نخستین بار است که منتشر شده است

درنگ

گذری بر نخستین اشعار سروده‌شده در مدح امام رضا(ع)

دین را حرمی است در خراسان



علیرضا میرنژاد| یکی از موهبت‌های بزرگ ایرانیان، وجود مرقد تابناک حضرت علی بن موسی الرضا(ع) در مشهد مقدس است. در کنار عشق و اعتقاد به امام رضا(ع) که در جای جای زندگی ایرانیان به ویژه در شعر و ادب فارسی خود را نشان داده است، اشتیاق فراوان به زیارت حرم مطهر آن حضرت و خاک‌بوسی این آستان ملک پاسبان در مشهد مقدس نیز همواره در شعرهای رضوی تاریخ ادبیات فارسی دیده می‌شود.
نخستین شاعری که در مدح امام رضا(ع) شعر سروده، شخصی به نام «سیداسماعیل حمیوی» بوده است. او هشت سال پیش از امامت امام رضا(ع) در سال ۱۷۸ هجری شعری در دیوانش دارد که نام حضرت در آن آمده است. درباره ارتباط این شاعر با اهل بیت(ع) نیز گفته‌اند که سیداسماعیل دوران اوج شاعری‌اش را در زمان امام صادق(ع) گذرانده است و هنگامی که خبر شهرت او به امام صادق(ع) می‌رسد، ایشان به عیادتش می‌روند و همین اتفاق سبب آغاز مراودات میان امام صادق(ع) و حمیوی می‌شود و او به مذهب تشیع می‌گرود. خاندان این شاعر در شمار دشمنان خاندان عصمت و طهارت محسوب می‌شدند اما او قصیده‌ای می‌سراید و در آن از خانواده‌اش بیزاری می‌جوید. امام صادق(ع) نام همه امامان پیش و پس از خود را به او می‌گویند و او هم نام ایشان را در قصیده‌ای می‌آورد.
پس از سیداسماعیل حمیوی، شاعران دیگری در مدح حضرت علی بن موسی الرضا(ع) اشعاری گفته‌اند؛ از جمله اشجع سلمی که ملک‌الشعرای دربار هارون الرشید و ثروتمندترین شاعر زمان خود بود و عمده این ثروت را از دربار خلیفه عباسی کسب کرده بود. او مرثیه‌ای در شهادت امام رضا(ع) سروده است. ابونواس اهوازی و دعبل خزاعی نیز قصیده‌های مشهوری در ستایش آن حضرت دارند. در این میان، قصیده تائیه دعبل خزاعی که به نام «مدارس آیات» شهرت یافته، در ولایت اهل بیت(ع) و به ویژه امام رضا(ع) سروده شده است.
اما نخستین چکامه‌ای که در تاریخ زبان و ادبیات فارسی در ستایش علی بن موسی الرضا(ع) آمده، سروده سنایی غزنوی است. گویا پیش از او کسی در مقام و مدح امام رضا(ع) شعری نسروده است یا اگر سروده‌ای در این باره وجود داشته، در جایی ثبت و ضبط نشده است. خاقانی شروانی نیز دیگر شاعر نام‌آور قرن ششم هجری است که قصیده‌هایی در مدح حضرت امام رضا(ع) سروده و در این سروده‌ها از قصاید اشتیاق سفر به خراسان سخن گفته است. نکته درخور توجه در این سروده‌ها اشتیاق زیارت حرم مطهر رضوی در شهر مشهد مقدس است که در سخن سنایی «حرم دین» و در سخن خاقانی «روضه معصوم رضا(ع)» خوانده شده است و این شاعران شفاعت دنیا و آخرت خود را در آن جسته‌اند.

قصیده سنایی در مدح حضرت رضا(ع)

دین را حرمی ست در خراسان
دشوار تو را به محشر آسان
از معجزه‌های شرع احمد
از حجت‌های دین یزدان
همواره رهش مسیر حاجت
پیوسته درش مشیر غفران
چون کعبه پر آدمی ز هر جای
چون عرش پر از فرشته هزمان
هم فر فرشته کرده جلوه
هم روح وصی درو به جولان
از رفعت او حریم مشهد
از هیبت او شریف بنیان
از خاتم انبیا درو تن
از سید اوصیا درو جان
آن بقعه شده به پیش فردوس
آن تربه به روضه کرده رضوان
از جمله شرط‌های توحید
از حاصل اصل‌های ایمان
زین معنی زاد در مدینه
این دعوی کرده در خراسان
مهرش سبب نجات و توفیق
کینش مدد هلاک و خذلان
مأمون چو به نام او درم زد
بر زر بفزود هم درم زان
زر است به نام هر خلیفه
سیم است به ضرب خان و خاقان
بی نام رضا همیشه بی نام
بی شان رضا همیشه بی شان
با نفس تنی که راست باشد
چون خور که بتابد از گریبان
بر دین خدا و شرع احمد
بر جمله ز کافر و مسلمان
چون او بود از رسول نایب
چون او سزد از خدای احسان
تضمین کنم اندرین قصیده
کین بیت فروگذاشت نتوان
ای کین تو کفر و مهرت ایمان
پیدا به تو کافر از مسلمان
در دامن مهر تو زدم دست
تا کفر نگیردم گریبان
اندر ملک امان علی راست
دل در غم غربت تو بریان